

چطور به انگلیسی فکر کنم؟

No, Eugene you are translating

نه یوجین تو داری ترجمه میکنی

that's wrong....

این اشتباهه....

But

ولی

how should I stop translating?

چطوری دیگه ترجمه نکنم؟

look

ببین

It's easy.

آسونه.

Think in English.

به انگلیسی فکر کن.

But

ولی

But how?

ولی چطوری؟

Don't translate.

ترجمه نکن.

Think in English.

به انگلیسی فکر کن.

try it now.

الان امتحانش کن.

How?

چطوری؟

try it.

امتحان کن.

Try it now.

همین حالا امتحانش کن.

Ok

باشه

Try it Eugene

امتحانش کن یوجین

Try it

امتحانش کن

Try more!

بیشتر تلاش کن!

Try more!

بیشتر تلاش کن.

Tryyyy!

سعی کن

Yeaah!

آرهههه!

Try more dammit(Damn it).

بیشتر سعی کن لعنتی.

What's up guys?

چه خبر بچه ها؟

Today I'll answer a very important question.

امروز میخوام به سوال خیلی مهم رو جواب بدم

How to think in English?

چطور به انگلیسی فکر کنیم؟

I have 3 tips for you

سه تا راهکار براتون دارم

And let this soak into your brain

و بذارتو مغزت هک بشن

because these are super important.

چونکه خیلی مهمن.

Number 1

شماره یک

Use translation to your advantage.

ترجمه کن تا برای خودت مفید واقع شی.

What?

چی؟

Translation?

ترجمه؟

But we are here to learn how to think in English?

ولی ما اینجا هستیم که یاد بگیریم چطور انگلیسی فکر کنیم

Isn't translating the opposite of that?

ترجمه با این تناقض نداره؟

No, it's not.

نه ، نیست.

This is normal

طبیعیه

reversing

برگردوندن

reverting

برگردوندن

converting

تبدیل کردن

resorting

متوسل شدن

to your native language is just a normal process.

به زبان اصلیتون یه پروسه ی طبیعیه.

Just think about it this way.

فقط از این جهت بهش نگاه کن.

your brain takes new pieces of information from outside

مغزت به سری اطلاعات جدید از بیرون میگیره

and associates those pieces of information

و اون مقدار اطلاعات رو

with old pieces of information

با اطلاعات قدیمی

that your brain has stored.

که مغزتون ذخیره کرده ، ترکیب میکنه.

So don't be afraid of translating.

پس از ترجمه کردن نترسید.

Just think of translating as a companion that accompanies you

فقط فکر کن که ترجمه یه دوستیه که

through the process of language learning.

حین مراحل یادگیری زبان، همراهیت میکنه.

When you've had enough input

زمانی که به اندازه ی کافی ورودی داشته باشی

and learned to be on the right track by yourself

و خودت یاد بگیری که تو مسیر درست رسیدن به هدف قرار بگیری

You can walk alone without this buddy.

اون موقع دیگه به این دوست احتیاجی نداری.

Number 2

شماره ۲

Simplify and connect

ساده کن و بهم بچسبون

One problem a lot of people have

یه مشکلی که خیلی از مردم دارن

is when they are translating from Persian to English

اینه که وقتی دارن از فارسی به انگلیسی ترجمه میکنن

or other languages

یا هر زبان دیگه ای

they're overcomplicating things.

بیش از حد سختش میکنن.

As a result of that

در نتیجه

your brain is gonna be like:

مغزت میگه:

Broooo

داداااش

what are you doing?

چیکار داری میکنی؟

This is too hard for me...

این خیلی برام سخته..

So start small.

پس از کوچیک شروع کن.

Of course, you wanna sound smart

البته که شما میخوايد باهوش به نظر بیاید

and use a lot of idioms and hard structures

و از اصطلاحات و ساختارهای پیچیده استفاده کنید

but

اما

not when you don't have right the tools.

نه وقتی که ابزار درستش رو ندارید.

So at first you gotta make sure your brain is ready

پس اول باید مطمئن شید که مغزتون آمادگی

for something more complicated.

یه چیز پیچیده تر رو داره.

Remember

یادت باشه

the point of communication is to be able to connect

هدف از ارتباط برقرار کردن اینه که بتونی متصل شی

and get your point across.

و منظورت رو برسونی.

Let me give you an example.

بذار برات یه مثال بزنم.

An example of a harder structure is:

مثال ساختار سخت تر اینه:

I want to go to the sea today

میخوام امروز برم دریا

because the weather is nice.

چون هوا خوبه.

This is the whole sentence...

این کل جمله س...

let's break it down and make it simpler.

بریم تجزیه ش کنیم و ساده ترش کنیم

The easier structure is:

ساختار آسون تر اینه:

Today the weather is beautiful.

امروز هوا خوبه

I want to go to the sea.

میخوام برم دریا.

Two small sentences are easier for your brain to digest

هضم دو تا جمله کوچیک برای مغزتون آسون تره

in comparison to the long one.

در مقایسه با یه جمله ی طولانی.

Number 3

شماره سه

Get massive amount of input.

مقدار زیادی اطلاعات کسب کن.

Look guys

ببینید بچه ها

I've talked about it millions of times here.

من در این مورد خیلی اینجا حرف زدم.

Language learning is all about input.

مسئله ی مهم یادگیری زبان اطلاعات ورودیه.

The things you listen to

چیزهایی که تو هر شرایطی بهشون گوش میدی

and read under any circumstances.

و میخونی.

Even when you speak to another person

حتی وقتی با کسی صحبت میکنی

still you are providing input for your brain.

داری برای مغزت اطلاعات تهیه میکنی.

Get yourself

خودت رو

exposed to the target language in a comprehensible way.

از یه راه قابل فهم، در معرض زبانی که داری یاد میگیری قرار بده.

Think about what a native speaker does.

در مورد کارهایی که به انگلیسی زبان می‌کنه فکر کن.

Imitate them.

ازشون تقلید کن.

they read English books,

کتاب انگلیسی می‌خونن

they listen to English podcasts

به پادکست انگلیسی گوش میدن

they watch English movies.

فیلم انگلیسی میبینن.

They are getting a huge amount of input.

مقدار زیادی اطلاعات میگیرن.

Let's think about it this way

بذار اینطوری بهش فکر کنیم

Your brain is like a recorder

مغز تو مثل یه دستگاه ضبط کننده میمونه

and it records almost everything.

و تقریبا همه چیز رو ضبط میکنه.

So the more you expose yourself to different situations

پس هرچقدر خودت رو بیشتر در معرض موقعیت های مختلف

people

مردم

books

کتاب ها

documentaries

مستندها

movies

فیلمها

to everything you can think of...

هر چیزی که فکرش رو بکنی، قرار بدی

the better.

بهتره.

I'm pretty sure you've found yourself saying something

مطمئنم پیش اومده که موقع گفتن چیزی

that you thought

با خودتون فکر کردین

“ where did I learn this,

من از کجا اینو یاد گرفتم؟

how do I know this?”

چطور اینو بلدم؟

This is because your brain learns subconsciously as well.

این به این خاطره که مغزتون ناخودآگاه هم یاد میگیره.

Let's do a quick wrap-up:

بریم یه جمع بندی سریع داشته باشیم:

number 1

یک

translating is natural

ترجمه کردن طبیعییه

don't be afraid of it.

ازش نترس.

Number 2

دو

make things simple

چیزها رو برای مغزت آسون

and understandable for your brain.

و قابل فهم کن.

And number 3

و سه

get massive comprehensible input.

اطلاعات قابل درک زیادی رو کسب کن.

By the way

ضمنا

If you're wondering about a good way of finding input

اگه يه راه خوب براي پيدا كردن اطلاعات ميخواي

why don't you try Zabanshenas?

چرا زبانشناس رو امتحان نميکني؟

Install Zabanshenas using the link in bio or this link.

با استفاده از لينک تو بايو يا اين لينک زبانشناس رو نصب کن.

Thanks for watching.

ممنون که تماشا کردین

Cheers!

خدانگهدار!

soak into	فرو کردن ، هک کردن
dammit (Damn it)	لعنتی
Advantage	مزیت، فایده
reversing	برگردوندن
reverting	برگردوندن
converting	تبدیل کردن
resorting	متوسل شدن
Associates	ترکیب کردن
Store	ذخیره کردن
Companion	همراه، دوست

Accompanies

همراهی کردن

Track

مسیر

Simplify

ساده کردن

Overcomplicating

پیچیده کردن

Sound

به نظر رسیدن

wondering about

کنجکاوی بودن

massive

عظیم، زیاد

comprehensible

قابل فهم

wrap-up

تمام کردن، جمع بندی کردن

Subconsciously

نا خودآگاه

Expose

در معرض قرار دادن

Providing

اماده کردن

get your point across

منظورت رو برسونی

digest

هضم کردن